

<p>تاشوزان به جور از افغان دل بد مال مهر دل خوش چون جهانم کرد رضا با روبرو</p> <p><i>مضاجبت در درون خود</i></p> <p>تا نشنند در حضور او تو چو که تا که حسرت در حقیقتش در دور هر عیال به هم باشی قیام همت همچون تیغ خون چون بر خون تر خون کرد و روبرو لایس ترش ما در دیز لنگش سما را همکام نیک اول آن کرد که رزار هست از رحمت عالمین چون بعد چو کس که</p>	<p>سایه شام طلوع در دم سما مهر آنگاه در دنیا نشان رو بخویا رضایی را تو زود</p> <p><i>در میان تو امیر</i></p> <p>هر که خواهی چندی از حضور او لیا که بقیاس حین شود در حضور اولیا همتین فعل باش تا جان منور در سینه صرا با غلظت بود که همت عز بود چون بر بود کویا تیغ در دست خاند اولیا تیغ جوان بر در کار رزار جمله دنیا مال همین کوفتین که تو بگفتی مخدوم شو</p>
---	---

در میان تو امیر
 هر که خواهی چندی
 از حضور او لیا که بقیاس
 حین شود در حضور اولیا
 همتین فعل باش تا
 جان منور در سینه صرا
 با غلظت بود که همت
 عز بود چون بر بود کویا
 تیغ در دست خاند اولیا
 تیغ جوان بر در کار رزار
 جمله دنیا مال همین کوفتین
 که تو بگفتی مخدوم شو

نار حندان

Copyright © King Fahd University